

اربعین، امتداد عاشورا

بازخوانی بیانات آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای

احمد نبوی

چکیده

نخستین ثمره‌های قیام عاشورا در اربعین دیده شد و بازگشت اهل‌بیت امام حسین علیه السلام به کربلا بدین مفهوم بود که قیام هنوز تمام نشده و اینک زمان آن رسیده که قیام سیدالشهدا علیه السلام در همیشه تاریخ جاودان شود.

اربعین میعاد عشق و نشانگر تدبیر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در زنده نگه‌داشتن فرهنگ شهادت است. اربعین روز بازماندگان شهادت و درحقیقت، آغازی است پس از فاجعه بزرگ کربلا که پیام این حماسه عظیم را به گوش جهانیان رساند.

رهبر انقلاب اسلامی، «احیای یاد کربلا و شهادت»، «گسترش فرهنگ عاشورایی» و «آغاز جاذبه زیارت حسینی» را آموزه‌های ارزشمند اربعین حسینی می‌دانند که تجلی عشق به تربیت و مرقد سیدالشهدا علیه السلام در آن جلوه‌گر است و پس از قرن‌ها، دوستداران اهل‌بیت علیهم السلام را با پای پیاده رهسپار زیارت اربعین می‌کند.

این مقاله در دو بخش «آموزه‌های اربعین» و «درنگ در فرازی از زیارت اربعین» به بیان دیدگاه‌های رهبر انقلاب درباره اربعین حسینی پرداخته است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، عاشورا، اربعین، رهبر انقلاب اسلامی، زیارت اربعین.

مقدمه

اولین شکوفه‌های عاشورایی در اربعین شکفته شد^۱ و آمدن اهل بیت حسین بن علی علیهم السلام بر سر مزار سیدالشهداء، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود و با این کار، به پیروان امام و دوستان خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند فهماندند که این واقعه تمام نشد و چنین فاجعه‌ای، با دفن کردن و به اسارت گرفتن و رها کردن اسیران پایان نخواهد یافت و فراموش نخواهد شد.

رهبر معظم انقلاب از این دیدگاه معتقد است که آمدن اهل بیت علیهم السلام به کربلا در اربعین، با این هدف بود که اعلام کنند: این جا میعادگاه بزرگی است که با جمع شدن در آن، باید همواره هدف بزرگ اسلام را نیز به یاد بیاورید که همانا «تشکیل نظام اسلامی» و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت است^۲

«آموزه‌های اربعین» و «درنگ در فرازی از زیارت اربعین» در نگاه رهبر معظم انقلاب، محور این نوشتار است.

آموزه‌های اربعین

۱. احیای یاد کربلا و شهادت

«شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی‌بخشد و اربعین، آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن آغاز شد»^۳.



رهبر انقلاب، اربعین را احیای یاد حماسه حسین بن علی علیه السلام در کربلا دانسته، می‌فرماید:

«شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می‌افتاد، یعنی حسین بن علی علیه السلام و بقیه شهیدان در کربلا شهید می‌شدند، اما بنی‌امیه موفق می‌شدند همان‌طور که خود حسین علیه السلام و یاران عزیزش را از صفحه روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند، آیا این شهادت فایده‌ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر هم برای آن روز اثری می‌گذاشت، آیا این خاطره در تاریخ برای نسل‌های بعد هم برای گرفتاری‌ها و سیاهی‌ها و تاریکی‌ها و یزیدهای دوران آینده تاریخ هم اثری روشنگر و افشاکننده داشت؟ اگر حسین شهید می‌شد، اما مردم آن روز و مردم نسل‌های بعد نمی‌فهمیدند شهید شده، این خاطره چه اثری و چه نقشی می‌توانست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیختگی ملت‌ها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟ می‌داند هیچ اثری نداشت. آری، حسین علیه السلام شهید می‌شد، خود او به اعلا علیین رضوان خدا می‌رسید؛ شهیدانی که کسی نمی‌فهمید و در غربت، سکوت و خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند... امام چقدر درس و اسوه می‌شدند؟»

اربعین نشانگر تدبیر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و احیاگر حقیقت شهادت است و در اربعین حسینی یاد شهادت حسین علیه السلام زنده شد.^۴ آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این بُعد از پیام اربعین می‌فرماید:

«اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر

اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید.

الهی خاندان پیامبر ﷺ یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (ع) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل های بعد، از دستاورد شهادت استفاده زیادی نخواهند برد. درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است، اما ابزار طبیعی ای که خدای متعال برای این کار - مثل همه کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و به جا، می توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه شهادت را احیا کنیم و زنده نگه داریم. اگر زینب کبری و امام سجاد (ع) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سال های متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی کردند، واقعه عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی ماند. چرا امام صادق (ع) - طبق روایت - فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاه های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگه داشتن مسئله عاشورا و کلا مسئله اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرت های ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت آمیز می کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه ای از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاش ها، از بین می رفت. درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت»^۵.

ایشان اربعین را روز بازماندگان شهدا دانسته،^۶ با اشاره به سختی مجاهدت امام سجاد و حضرت زینب (ع) در صحنه تبلیغی و فرهنگی، این نکته را یادآور می شود:

«درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پر حجم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد؛ جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگ‌ترین سرمایه‌شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتاب‌هایی که منتشر می‌کردند، در ذهن آدم‌های ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند. اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است»^۷.

۲. گسترش فرهنگ عاشورایی

اربعین در حادثه کربلا یک آغاز بود. بعد از آن فاجعه بزرگ در کربلا، باید حادثه اسارت‌ها، پیام حماسه سیدالشهداء علیه السلام را منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گویی‌های حضرت زینب و امام سجاد علیه السلام مثل یک رسانه پر قدرت، باید واقعه عاشورا و هدف و جهت‌گیری آن را در محدوده وسیعی منتشر می‌نمود، و این کار انجام شد. رهبر انقلاب در تبیین این حرکت می‌فرماید:

اربعین در حادثه کربلا یک آغاز بود. بعد از آن فاجعه بزرگ در کربلا، باید حادثه اسارت‌ها، پیام حماسه سیدالشهداء علیه السلام را منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گویی‌های حضرت زینب و امام سجاد علیه السلام مثل یک رسانه پر قدرت، باید واقعه عاشورا و هدف و جهت‌گیری آن را در محدوده وسیعی منتشر می‌نمود، و این کار انجام شد. رهبر انقلاب در تبیین این حرکت می‌فرماید:

«خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرئت این را پیدا نمی‌کنند که حقایقی را که فهمیده‌اند، در عمل خودشان نشان بدهند؛ چون اولاً دستگاه ظالم و مستبد نمی‌گذارد مردم بفهمند و اگر فهم مردم از دست او خارج شد و فهمیدند، نمی‌گذارد به آنچه فهمیده‌اند، عمل کنند. در کوفه، در شام، در بین راه، خیلی‌ها از زبان زینب کبری یا امام سجاد علیه السلام یا از دیدن وضع اسرا، خیلی چیزها را فهمیدند، ولی کی جرئت می‌کرد، کی توانایی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده‌ای در گلولی مؤمنین باقی بود. این عقده روز اربعین اولین نشتر را خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد. مرحوم سید بن طاووس و بزرگان نوشته‌اند که وقتی کاروان اسرا، یعنی جناب زینب علیه السلام و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی نبودند؛ «رجال من بنی هاشم»؛ عده‌ای از بنی هاشم، عده‌ای از یاران بر گرد تربت سیدالشهدا جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری علیه السلام آمدند. شاید این سیاست ولایی هم که زینب کبری اصرار کرد که برویم به کربلا - در مراجعت از شام - به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک اما پرمعنا، در آنجا حاصل شود. حالا بعضی استبعاد کردند که چطور ممکن است تا اربعین به کربلا رسیده باشند. مرحوم شهید آیت‌الله قاضی یک نوشته مفصلی دارد؛ اثبات می‌کنند که نه، ممکن است که این اتفاق افتاده باشد. به هر حال آنچه در کلمات بزرگان و قدما هست، این است که وقتی زینب کبری و مجموعه اهل بیت وارد کربلا شدند، عطیه عوفی و جناب جابر بن عبدالله و رجالی از بنی هاشم در آنجا حضور داشتند. این نشانه و نمونه‌ای از تحقق آن هدفی است که با شهادت‌ها باید تحقق پیدا می‌کرد؛ یعنی گسترش این فکر و جرئت دادن به مردم. از همین جا بود که ماجرای توأبین به وجود آمد. اگرچه ماجرای توأبین سرکوب شد، اما بعد با فاصله کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیه آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد و نتیجه، در هم پیچیده شدن دودمان بنی‌امیه ظالم و خبیث بر اثر همین شد. البته بعد از او سلسله مروانی‌ها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پیدا کرد؛ راه باز شد. این خصوصیت اربعین است. یعنی در اربعین افشاگری هم هست؛ عمل هم هست؛ تحقق هدف‌های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد».^۸

۳. آغاز جاذبه زیارت حسینی

اربعین، تجلی عشق به تربت و مرقد سیدالشهدا علیه السلام و آغاز جاذبه حسینی است که با وجود گذشت قرن‌های متمادی، همچنان دل همه دوستداران اهل بیت و همه آزادگان جهان را به سوی رستگاری و عزت و افتخار می‌کشاند.

در نگاه مقام معظم رهبری، اولین جوشش‌های چشمه جوشان محبت حسینی - که رود همیشه جاری زیارت را در طول این قرن‌ها جاری کرده - در اربعین پدید آمد. جاذبه قوی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جلب کرد. رفتن جابر بن عبدالله و عطیه به زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، سرآغاز این حرکت پُربرت بود. در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته این حرکت پُرشکوه‌تر، پُرجاذبه‌تر و پُرشورتر شده است و نام و یاد عاشورا را روزبه‌روز در دنیا زنده‌تر کرده است.^۹ رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا - که بعضی روایت کرده‌اند - درست باشد یا درست نباشد، ظاهراً در این تردیدی نیست که جابر بن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین - که نام او را بعضی عطیه گفته‌اند، بعضی عطا گفته‌اند و احتمال دارد عطیه بن حارث کوفی حمدانی باشد؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده - این راه را طی کردند و در این روز بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند. شروع جاذبه مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به

در نگاه مقام معظم رهبری، اولین جوشش‌های چشمه جوشان محبت حسینی - که رود همیشه جاری زیارت را در طول این قرن‌ها جاری کرده - در اربعین پدید آمد. جاذبه قوی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جلب کرد.

اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان»^{۱۱}.

درنگ در فرازی از زیارت اربعین

رهبر معظم انقلاب مضامین زیارت اربعین امام حسین علیه السلام را بسیار پرمغز و در خور تأمل و تدبر دانسته، با اشاره به این فراز از زیارت اربعین «لیستنقذ عباده من الجهالة و حيرة الضلالة» هدف از قیام حسینی را برطرف کردن ابرهای جهل و غفلت از افق زندگی انسان‌ها و هدایت حقیقی آنان می‌داند.^{۱۱} معظم‌له با این دیدگاه، حقیقت نهضت امام را این گونه تحلیل می‌کنند:

«فقره‌های اول (زیارت) آن، دعاست که گوینده این جملات را خطاب به خداوند متعال عرض می‌کند: «و بذل مهجته فیک»؛ یعنی حسین بن علی، جان و خون خود را در راه تو داد. «لیستنقذ عبادک من الجهالة» تا بندگان تو را از جهل نجات دهد. «و حيرة الضلالة» و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. این یک طرف قضیه، یعنی طرف قیام کننده حسین بن علی علیه السلام است. طرف دیگر قضیه، در فقره بعدی معرفی می‌شود: «و قد توازر علیه من غرته الدنيا و باع حظه بالارذل الأذنی». نقطه مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بیخودشان کرده بود. «و باع حظه بالارذل الأذنی»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه نهضت حسینی است. با مذاقه در این بیان، انسان احساس می‌کند که نهضت حسینی در واقع با دو نگاه قابل ملاحظه است، که هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشان‌دهنده ابعاد عظیم این نهضت است. یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی است که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر - یعنی حکومت یزید - است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگ تری است که نگاه دوم، انسان را به آن می‌رساند، و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است. در حقیقت، امام حسین علیه السلام اگرچه با یزید مبارزه می‌کند، اما مبارزه گسترده تاریخی وی با یزید کوتاه عمر بی‌ارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین با اینها مبارزه می‌کند»^{۱۲}.

در نگاه ایشان، ویژگی حکومت پیامبر این بود که به جای ابتنا بر ظلم، بر عدل بنا شده بود. به جای شرک و تفرقه فکری انسان، متکی بر توحید و تمرکز بر عبودیت ذات مقدس پروردگار بود. به جای جهل، متکی بر علم و معرفت بود. به جای کینه‌ورزی انسان‌ها با هم، متکی بر محبت و ارتباط و اتصال و رفق و مدارا بود؛ یعنی یک حکومت از ظاهر و باطن آراسته. انسانی که در چنین حکومتی پرورش می‌یابد، انسانی باتقوا، پاکدامن، عالم، بابصیرت، فعال، پُرنشاط، متحرک و رو به کمال است. اما با گذشت فقط پنجاه سال، وضعیت عوض شد. اسم، اسم اسلام ماند؛ نام، نام اسلامی بود، اما باطن دیگر اسلامی نبود. به جای حکومت عدل، باز حکومت ظلم بر سر کار آمد. به جای برابری و برادری، تبعیض و دودستگی و شکاف طبقاتی به وجود آمد. به جای معرفت، جهل حاکم شد. در این دوره پنجاه ساله، هر چه به جلوتر می‌آییم، اگر انسان بخواهد از این سرفصل‌ها بیشتر پیدا کند، صدها شاهد و نمونه وجود دارد که اهل تحقیق باید اینها را برای ذهن‌های جوان و جوینده روشن کنند.^{۱۳}

رهبر انقلاب در تحلیلی دیگر، معتقدند:

«بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطان‌هاست. همیشه شیطان‌های بزرگ و کوچک، برای تأمین هدف‌های خود، انسان‌ها و توده‌های مردم و ملت‌ها را قربانی می‌کنند... باید به بشر کمک کرد؛ باید به بندگان خدا مدد رساند، تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند.»

حسین بن علی علیه السلام، جان و خون خود را در راه تو داد. «لیستنقذ عبادک من الجهاله» تا بندگان تو را از جهل نجات دهد. «و حیرة الضلالة» و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند.

ایشان در این بخش، از فداکاری امام حسین علیه السلام در نجات امت چنین یاد می‌کند:

«چه کسی می‌تواند این دست نجات را به سوی بشریت دراز کند؟ آن کسانی که چسبیده به مطامع و هوس‌ها و شهوات باشند، نمی‌توانند؛ چون خودشان گمراهند. آن کسانی که اسیر خودخواهی‌ها و منیت‌ها باشند، نمی‌توانند بشر را نجات بدهند. باید کسی پیدا بشود و خودشان را نجات بدهد، یا لطف خدا به سراغ آنها بیاید تا اراده آنها قوی بشود و بتوانند خودشان را رها کنند. آن کسی می‌تواند بشر را نجات بدهد، که دارای گذشت باشد؛ بتواند ایثار کند و از شهوات بگذرد؛ از منیت و خودپرستی و خودخواهی و حرص و هوا و حسد و بخل و بقیه‌گفتری‌هایی که معمولاً انسان دارد، بیرون بیاید، تا بتواند شمعی فرا راه بشر روشن کند.»^{۱۴}

پی‌نوشت‌ها:

۱. ۱ آبان ۱۳۸۵.
۲. ۲۴ مهر ۱۳۶۶.
۳. ۲۲ آبان ۱۳۶۳.
۴. ۲۲ آبان ۱۳۶۳.
۵. ۲۹ شهریور ۱۳۶۸.
۶. ۲۲ آبان ۱۳۶۳.
۷. ۲۹ شهریور ۱۳۶۸.
۸. ۲۸ بهمن ۱۳۸۷.
۹. ۱ فروردین ۱۳۸۵.
۱۰. ۱ فروردین ۱۳۸۵.
۱۱. ۱۴ خرداد ۱۳۸۵.
۱۲. ۱۴ خرداد ۱۳۸۵.
۱۳. ۱۴ خرداد ۱۳۸۵.
۱۴. ۲۱ شهریور ۱۳۶۹.